

فصل نهم

www.tabarestan.info  
نیرستان

صفحه های تازه

فرب تریست باغبان مخور ای گل  
که آب میدهد اما گلاب می گیرد  
صائب

### رفیق محبوب میرزا گوچک خان

کارگران و دهاقین لشکران و از تشری روسیه و آذربایجان  
نامه ای از لشکران سویی سلام های برادرانه خود را بکارگران و دهقانان  
ایران تقدیم می دارند درودهای ما بکارگران و دهقانان  
ایران بی پایان است زیرا از طبیعه صبح تا غروب آفتاب کارگران را اشتغال  
یکار دارد و آنچه از عرق جبین بدست می آورد بجهت سرمایه داران انگلیسی  
ریخته می شود ملت کهن سالو با عظمت ایران در سایه دولتی که خود را در معرض  
بیع گذاشته است آلت دست بورژوازی انگلستان شده و این بورژوازی بی هر قسم  
مایل باشد با آن رفتار میکند این جریانات را ما کارگران روسیه مستحضر بودیم  
و خون در عروقمان می جوشید وقتی بدیختی برادران ایرانیمان را می شنیدیم اما  
قدرت کمک یا آنانرا نداشتیم زیرا آن زمان در بالای سرمان امپراطور بود که  
و ادارمان می ساخت با موافقت سرمایه داران انگلیسی برادران ایرانیمان را تحت  
فشار بگذاریم اکنون که امپراطور دولت فروخته شده کمر نسکی زوال یافته و  
قدرت روسیه در دست کارگران افتاده نخواستیم دیگر در کار ایران مداخله  
کنیم دولت انگلیس از این کناره گیری ما سوء استفاده نموده شروع به تحکیم

موقفیت خود در ایران نمود ما تا با امروز امکان نیافتیم بکارگران ایرانی کمک کنیم تا خود را از یوغ تعدیات سرمایه‌داران انگلیس نجات دهند چه دو سال و نیم است در روسیه دچار جنگهای داخلی بودیم و شما میدانید که بورژوازی روس برهبری بورژوازی انگلیس مانا می‌جنگید دولت آمریکا و فرانسه و انگلستان نیروی خود را علیه ما بکار بردند تا قدرتمان را بشکنند و امپراطوری قدیم را دوباره بنا تحمیل کنند ولی چون سربازان انگلیس و فرانسه و آمریکا مانند ما دهقان و کارگر بودند از جنگیدن با ما احتیاج نموده بیخانه‌هایشان برگشتند این بار بورژوازی انگلیس عناصر شد انقلاب روسیه را علیه ما برانگیخت به ترال کلچاک - دنیکن - یودنیچ و سایرین پول و خوار و بار و توپ و نارنگداد تا ما را بگویند ولی ما آنقدر مقاومت و ایستادگی کردیم تا ارتش سرخ که حالیه دارای چند میلیون سرباز است عناصر صد انقلابی را درهم شکست و آخرین آنها که «دنیکن» بود منقلب و متواری شد اکنون تمام روسیه از اقیانوس کبیر گرفته الی دریای بالتیک و از بحر سیاه تا دریای سفید زیر اداره سوشی متحدند بورژوازی انگلیس در مقام برآمد که دولت کوچک مانند فنلاند استونی - لیتوانی - لهستان را بشد ما بشوداند ولی کاری از پیش نبرد ما با استونی معاهده صلح منعقد کردیم اکنون مذاکرات سازش ما با دولت دیگر در جریان است حتی انگلستان بنا پیشنهاد صلح داده ولی چون مقاصد بورژوازی آنها با معلوم می‌باشد پیشنهادش را رد کردیم زیرا میدانیم که گرگ هرگز نمس تواند بایره در صلح و سفا زیست کند انگلستان بنا پیشنهاد صلح میکند تا ما را افغال و مجدد با حمل‌بند شود ولی ما اکنون قوی بوده و هیچ وحشتی از انگلستان نداریم اکنون ما یک هدف و یک تمایل بیشتر نداریم و آن اینست که کشورهای شرق را از تعدیات بورژوازی انگلستان نجات بخشیم و شربت مرگ را به بورژوازی وی بچشانیم آزادی ایران - آذربایجان - ترکیه - افغانستان و هندوستان بورژوازی انگلستان را از پای در می آورد بر ای محو بورژوازی انگلستان شرکت همه این ملتها ضروری است زیرا تا این بورژوازی قوی است نه شما کارگران ایرانی و نه ما کارگران روسیه و نه سایرین نخواهیم توانست از صلح امیدوار باشیم اکنون آزادی شرق از نفوذ انگلستان شروع شده است کارگران و دهقانان آذربایجان دولت بورژوازی خود را که آلت دست انگلستان بود سرنگون و بجایش دولت سوشی تشکیل داده اند روزی که دولت سوشی

آذربایجان موافقت خود را در این باره اعلام نمود. امروز عید و شادمانی کارگران و دهقانین روسیه شناخته شد. در احوال این واقعه ثابت کرد که نمایمان، مساعدت ملل شرق سیسی بوده و حاسر بغداد کاری هستیم و در نهایت شوق برای همراهی برادران آذربایجانی بیاگو آمده ایم تا با نیروی مخرب ارتش سرخ آذربایجان را از حملات انگلستان ممانعت کنیم ما خوشوقتم که بیاری کارگران و دهقانان آذربایجان قیام کرده ایم تا جمهوری مستقلشان را رونق و تحکیم بخشند ولی خوشوقتی ما زائل میشود و قتیکه می بینیم ملت نخبه ایران زهر چکمه بورژوازی انگلستان دست و پا میزند یگانه مردی که در ایران ضد بورژوازی انگلستان قیام کرد تو هستی رفیق کوچک خان! تو جنگ را علیه انگلستان اعلام کردی تا بتوانی وطنت را از دست درواری بریطانی نجات دهی. تمام ملت مستمده ایران دیدگان امیدشان شود و خسته شده و از تو علاج درد و آرزایشان را میخواهند اما از طرف دهقانان و کارگران آذربایجان بشما خطاب می کنیم ای مرد توانا وای رئیس ملت!

ما حاضریم با نخستین دعوت بکمکشان بشمایم تا سلطه انگلستان را محو کنیم ملت ایران در سمیت و صداقت ما میتواند مطمئن باشد برای نمونه احترام و عنایت شما با ارادی ملت ایران نشان روس، فرانس، ر و یک جنبه دولور بشما تقدیم میداریم که وسیله این سلاح دست ما هر کوچکگان قلب دشمنان را بشکافد.

### کمیته انقلابی لنکران .

وصول نامه مر بور در حکم یک موسیقی مطلوبی بود که سفر بی نتیجه از آرشه یک و بولو نیست ما هر بسدا در آید و حنجره یک خواننده هنرمند را برای هم آهنگ شدن آماده بسارد. میرزا بعد از مطالعه بسیار برای این اندیشه افتاد که بطور است خود به سری بلنکران بزند و اوضاع و احوال کمیته را از نزدیک بررسی نماید لیکن بمخاطرات احتمالی این سفر میاندمتید حاسه آنکه راهی دراز در پیش بود و طی یک مسافت بمید بافتد و سابل، عفاگی بنظر نمیرسد تنها یک وسیله باقی میماند که امکان انجام این نیت را مقدور میساخت و آن تحمل یک نوع در بسکه بود. غیر در بسکه این در بسکه تن در داد و با پای پیاده بدون اطلاع احدی همراه دوتن از مجاهدین چریک اجمال سباه و علی خلغالی که آشنا بقرآء این خط سیر بودند مسافرت بلنکران را با لباس مبدل شروع نمود. در روزهای اول

دوم حادثه قابل ذکری بوقوع نه پیوست در روز سوم که خوار بارشان ته کشید یکی از همراهانش پیادار رفت که نان و آبی تهیه کند و از سوء اتفاق آنکه شناخته شد و بدست داروغه بازار دستگیر گردید متعاقب آن محل اختفای دو نفر دیگر نیز کشف و میرزا بموض نان و پنیر چند تن از طالبی‌های امیرمقتدر را بالای سرش مشاهده نمود.

میرزا بنظرش رسید که در این قبیل مواقع توسل بخشونت مفید فایده نیست و بایستی بر اهنمائی خرد و تدبیر بچاره جوئی پرداخته و از ممانعت و خون سردی مدح گرفت. بنابراین باجملات نرم و دلنشین باطالبی‌ها مذاکره و آنها را راضی ساخت که بمسافرتین کاری نداشته و آنها متعهدند که بدون درنگ از منطقه طالبی دور شوند. طالبی‌ها بطمع دریافت انعام کلان از جمال سیاه بدون اینکه بهیچ‌همه دستگیر شدگان پی ببرند آنها را مرخص می‌کنند تنها اشکالشان بعد از دریافت انعام خیری بود که بامیرمقتدر داده و دستگیر شدن يك تن جنگلی اشعار داشته بودند. در این باره توافق میشود که علی خلخالی تا وصول پاسخ امیر مقتدر در اسارت بماند و دو نفر دیگر راهشان را در پیش بگیرند و دنبال کار و زندگیشان بروند. بدین طریق میرزا و جمال سیاه از خطر نجات می‌یابند بعدا که سواران امیر متدبر میرسند و علی خلخالی را تحویل میگیرند شقایبان به تعقیب همراهانش میردازند ولی فرصت از دسترفته و مرغ از قفس پریده بود.

میرزا که از راه پیمائی شیانه روزی خسته شده بی طاقت و بیمار گردید بطوری که هر دو نفر مسافر از حرکت باز ماندند شیی که میرزا بیهوش و دیگر معنی نداشت جمال وی را به پتوئی پیچیده و در جلوی کوره داهی تنها گذاشت و خود برای دور شدن از خطر پی خیال خویش رفت. میرزا که در حال اغما بسر میبرد یکی دو روز بعد از دوراهی «بحران» گذشت و به جانب «حیات» گرائید و بدنبال آن بهوش آمد و چون خود را بیکه و تنها دید از بیم روبرو شدن با حیوانات درنده از یکطرف و خوف دستگیر شدن بدست دشمن از طرف دیگر تکان باس آمیزی بخود داد و با کمال مسرت احساس نمود که هنوز فی الجمله توانائی حرکت در وی باقی است و لذا مطلق نشد زاران و نالان (آنطور که شیوه بیماران است) داهی را که نمیدانست کجا است در پیش گرفت و بعد از طی يك کيلومتر که يك روز طول کشید از مسیر رودخانه‌ای خود را بجهت خانه‌ای رسانید. او باقیافه يك سرد درویش و دادن شمار و هوجی که بناله بیشتر

شبهت داشت وارد قهوهخانه شده جای یونان خواست. مفعول آخری مفرط که تغییرات کلی در قیافه اش پدید آورده بود یازیک سو دور بودن این احتمال که امکان ندارد



میرزا کوچک پیش از مسافرت به نگران

پیشوای نهضت جنگل در این موقع یازیک در این منطقه دیده شود از سوی دیگر

هیچگونه سوء ظنی ایجاد ننمود و دیدار شخص تازه وارد بسادگی تلفی گردید اما قهوه‌چی پس از پذیرائی از او (با نان و چای) احساس می‌کنند که شخص تازه وارد ناراحت است و لذا بیدار خواستوی او را به پسنوئی که خود در آنجا می‌خواهید است میبرد و بعد از تفرس دقیق در و جناتش خوابی را که چندی پیش دیده بود بیاد می‌آورد. قهوه‌چی میگوید در همین پسنو خوابیده بودم که شخص جلیل‌القدری را دیدم که نور از سیمایش میبارید و مرد موقر بلند اندامی در مقابلش ایستاده، آن مرد جلیل‌القدر مرا مخاطب قرار داده و گفت این مرد محترم و اشاره به شخص ایستاده، از طرف من مأموریشی دلم زنها که از مساعدت من در پیغ تمنائی گرفتار که برادرت در رگاش شهید خواهد شد اما تو وظیفه مندی یا آنچه بتو دستور می‌دهد اطاعت نمائی. من از عهول کشته شدن برادرم از خواب پریدم و اکنون که بی‌سافه شما بنگرم شبیه آن مرد ایستاده‌ای هستی که من در خواب دیده‌ام. اکنون بگو به بینم کیستی چکاره‌ای بجه منظور باین صفت آمده‌ای؟ میرزا خود را به سرحاح معرفتی و قهوه‌چی بی‌درنگ بیست و پایش می‌افتد و انواع یونانک و خوراکی‌های حاسر به‌شاید در ضمن از حال برادرش که در جنگل بوده است خوابی شود میرزا خواب می‌دهد برادرت محمود آستارائی در جنگل سیاه‌رود کشته شد است خداوند او را غریق رحمت کند مر دشمنان و بی پروائی بود که به حد کفایت. صمیمت داشت. قهوه‌چی بعد از گریه‌وراری و تاثیر شدید دستگیر را بر می‌بوسد و او را با باندن از افراد مطمئن جانب‌لنکران روانه می‌دارد. میرزا یکی دو روز بعد که با طرای لنکران می‌رسد پسنود که نیروی سرخ از شهرستان لنکران بیرون رفته اند لذا از پیشروی بیشتر خودداری و از همان راهی که رفته بود باز میگردد و با مراتبی نور آن قسمت از نوشته‌های محققانه سرعنگ ناصر فرید مندرج در شماره اول (شماره ۹ سال ۴۱ صفحه ۶۸) مبنی بر تماس گرفتن میرزا با مأمورین غیر رسمی شوروی در لنکران از نظر میبایست با واقعیت قابل تجدید نظر است.

بی‌مناسبت نیست آنچه که قیلسوف نامی ایران و شبح -

الرئیس ابوعلی سینا و در ساله «تعبیر الروبای» خود را  
 راجع بمسئله خواب توضیح می‌دهد در اینجا بیاوریم:  
 چیزهایی که بر اثر قوه مخیله در عالم خواب ظاهر میشود  
 خارج از سه نوع نیست.

مسئله خواب

از دیدگاه

شیخ الرئیس

**اول** - صورت‌هایی که در عالم خواب ظاهر می‌شوند اشیاء و امثال صورت‌هایی هستند که در حال بیداری بواسطه حواس در ذهن حاضر شده‌اند چنانکه انسان پیش از خواب اشیائی می‌بیند و چون بخواهد ببرد و هنوز این امور را خاطرش محو نشده و در قوه محبله باقی است عن همان صورتها را در خواب می‌بیند.

**دوم** - صور و خاطراتی که قبلاً حادث شده و در نفس باقی مانده‌اند قوه محبله‌اش دوباره آنها را در رؤیا می‌بیند. مثلاً انسان آرزوی رسیدن به مطلوبی را دارد و با ارجیزی می‌ترسد و در عالم خواب اینها را می‌بیند.

**سوم** - خیالات و صور حاصله در عالم رؤیا بر اثر تغییرات سراجی و روح انسانی میباشد زیرا بر حسب تغییر مزاج و اعصاب درونی و جهازات خاصه و جریان خون و دیگر عوامل بدن کارهای دیگر قوه خیالیه نیز تغییر می‌یابد مثلاً اگر مزاج متعادل به حرارت مفرط باشد انسان در خواب گرما و آتش می‌بیند و اگر متعادل به سردی باشد برف و یخ می‌بیند و اگر برطوبت تغییر یابد باران و آب می‌بیند و اگر به یسوت تبدیل یابد خواب‌های تار و آشفته خواهد دید و مانند اینها همچنان مزاج اگر بسببکی و راحت می‌گردد انسان در خواب جنان می‌بیند که گویا پرواز می‌کند.

این سه نوع مذکور از خواب نظم و ترتیب معین ندارد و همیشه متعاقب و درهم میباشد از این رو تعبیر درست و علمی نمی‌تواند برای آنها بیان کرد. و اما خواب‌های مطابق واقع - گاه برای انسان اموری در عالم رؤیا ظاهر می‌شود که هیچ‌یک از علل و عوامل فوق مربوط نیست. قوه محلبیه و فکریه و تغییرات سراجی و روح انسانی ایداً در اینگونه خوابها مداخلت ندارند این نوع رؤیانی از وجود روحی است که مزاج در نهایت اعتدال میباشد و از این رو برای اینگونه خوابها از اول تا آخر نظم و ترتیب برقرار است این نوع خوابها بر دو گونه‌اند.

۱ - انسان در خواب چیزی را می‌بیند و یا امری را کشف می‌کند که بعداً عین آن در بیداری مشاهده و موجود می‌شود.

۲ - تفسیر و نمونه آنچه را که در خواب دیده است در بیداری می‌بیند این در نوع از خواب بر اثر حس و اندیشه و تخیلات و عوامل مربوط به جهاز خاصه و تغییرات سراجی نیست بلکه در هنگامی است که اعتدال در تمام امور و جهات مربوط از قبیل خوردنی، آشامیدنی، حرکت، سکون، هوا، محیط و



دیگر عوامل حکمفرما باشد. حال اگر تمام این امور که اعتدال آنها موجب اعتدال مزاج است در حد اعتدال باشد و انسان آرزوی چیزی را نداشته و از چیزی ترسناک نبوده و خلاصه آنکه علت رویای وی امور نفسانی از قبیل رقبت بچیزی و یا ترس از چیزی و همچنین امور جهانی از قبیل -ردی و گریه و گرسنگی و تشنگی و امثال اینها نباشد و در خواب ببیند که پیش از خواب ندیده و نبانده شده بر شک چنبن خوابی باید علت فاعلی داشته باشد که آن فاعل این



حنفی در میگرد

محدثجه آقا بوسه کمانی طرف راست اسماعیل جنگلی

استاد حس دیوان زمانی

اشیاء و صور را در نفس نمایانده و ایجاد کرده است. بنا بر این سبب فاعلی اینگونه خوابها خارج از وجود انسان است. در انسان قوه شریفه‌ای موجود است که بمصالح او توجه و عنایت دارد و بوسیله خواب او را بیم نمیدهد و از آنچه در آینده از خیر یا شر بر او می‌آید پیش‌آمد میکند آگاهی می‌سازد و گاهی بطور سریع و زمانی بطور حقی انجام می‌گیرد. قوه فوق که معمولاً بقوه الهی

تعمیر می‌شود از ناحیه ملکوت و عالم مافوق طبیعت می‌باشد. پس هر چه انسان از حیث نفس فاضل‌تر و کامل‌تر و بهتر باشد و از حیث عقل و تئیت خالص‌تر و صالح‌تر و صافی‌تر گردد این قوه یوی نزدیک‌تر و توحش باو کامل‌تر و مراعات احوال و حفظ او بیشتر خواهد بود.

بامداد روز سه شنبه ۱۸ ماه مه ۱۹۲۰ مطابق با ۲۸  
 تجاوز شورویها اردیبهشت ماه ۱۲۹۹ و ۲۹ شعبان ۱۳۳۸ هجری  
 بخاک ایران قمری بعد از شلیک چند تیر توپ از دریای خزر به  
 سواحل غازیان. ارتش سرخ به ارلی ( بندر پهلوی )

پیاده شد. غازیان محلی است واقع در ساحل شرقی بندر پهلوی که انگلیسها در آنجا استحکاماتی برای محافظه تاجنه بودند اما کسی نفهید چرا بعد از غازیان در مقام مذاکره بر نیامدند. اعتقاد محافل طلایی بر این بود که حنا فوج با این تصمیم باقی بود و سرور ارلی به آسانی صورت نیگیرد خاصه آنکه دیالوگ این استحکامات ناهیمان پشته | جریره مقابل دریای کشیده میشد.

این مسئله در مجلس شورای انگلیس مورد بحث واقع شد و این گد که با وجود بیروی سکوف انگلستان ( در حدود هشتاد هزار نفر ) که به بین النهرین و شمال ایران گسترش یافته اند بجهت حلو گبری از حدود تن سر باز شوروی غیر ممکن شده است. حراید انگلستان نیز با این اعتراض هم آوار بودند در صورتی که پارخه این اعتراضات را در کورن وزیر خارجه انگلیس در سنه میاسیش آاده داشت. مردم مبهوت بودند از اینکه در بندر انگلیسهاییم را که در گمین قدر و قیمتی ندارد مار کرده اند ولی اسلحه را بجا میگذارند. حسن محافل مطلع بر این بود که اتحاد این رویه برای رساندن مردم و جامعه سرمایه داری ایران است منظور از این اعمال کشاندن تیر و بی سرخ بداخل کشور و راه انداختن های و هوای و تبلیغ کشتار و مصادره دارائی و فرماندند این مطلب است که کنار کشیدن انگلیسها مستلزم تحمل جمیع این عواقب میباشد تا آنکه عتفدین و عموم مردم ایران بهیچان آمده از شخص اول مملکت و مقامات مؤثر کشور بقاء فواء انگلیس را در خواست کنند و بدین طریق قرارداد ۱۹۱۹ بی زحمت و بخودی خود به مرحله اجرا در آید و در حقیقت پناه بردن

بیمار از هول و هیبت افمی در جهنم مصداق پیدا کند .

گلوله‌های نوب کشتی‌ها، جنگی بهیچ‌یک از ساختمانهای گمرک که در ناحیه غازیان واقع است اسابت نکرد و فقط آسیب بخانه‌های اطرافش رسانید اما وحشت بنام معنی حکمفرما بود و مردم غازیان و بندرپهلوی بدون اینکه بدانند موضوع چیست و چرا شهرشان بمباران می‌شود و بچه دلیل انگلیسها در مقام مدافعه برنیامده‌اند وجه سرنوشتی درانتظار آنها است از اوضاع حال و آینده‌شان مذاکره میکردند . نیروی سرخ مرکب از پاسبان پیاوه و دو پست‌سوار ساحل پیاوه‌شد و بنماد این نفرات تدریجاً اضافه گشت تا بدو هزار نفر رسید **هاژراد هونگ** رئیس اداره سیاسی انگلیس در رشت و ژنرال **شامپانی** فرمانده ارتش انگلیس **همراه سیدعلی خان ظهیر همایون** معاون حکومت گیلان برای مذاکره با فرمانده ارتش سرخ و تحقیق علت این مهاجمه به آنزلی رفتند **راسکول نیکف** فرمانده جهازات جنگی بحر خزر علت مهاجمه را تشریح نمود و مسند بوجود قواء ضد انقلابی **دنیکن** کرد و گفت همین نیرو است که امنیت ارتش سرخ را در دریای خزر بمحاطره انداخته است . **دنیکن** یکی از ژنرالهای معروف روسیه بود که مانند **کلچاک** و **ورا نکل** بود هیچ یا نیروی انقلاب جنگیده و اینک ضربات ارتش سرخ ، گزارش را بپندر ایرانی کشانیده بود . **دنیکن** بعد از شکست قوایش در پل روسک به بادکوبه عقب نشست بادکوبه مرکز حکومت **ساواتی‌ها** بود و دولت **آذربایجان قفقاز** این ژنرال را بمسکاری دعوت نمود لیکن او پذیرفت زیرا انگلیسها که تیروی تحت فرماندهیش را در اختیار داشتند هنوز از استفاده کامل برخوردار نشده و مایل نبودند این قوه محور به آسانی و مفت از اختیارشان خارج شود و چون خطر هجوم بلشویک‌ها از شمال نزدیکیتند این بود که **دنیکن** متوجه سواحل جنوبی دریای خزر گردید . وجود این قواء در آنزلی از جنبه دفاع برای انگلیسها بسیار سودمند بود اما معلوم نشد بچه دلیل انگلیسها بعد از ورود قواء **دنیکن** به آنزلی با وجود اطاعت و تقیادشان همرا حمل سلاح کردند شاید بدینجهت که مقاومت را در مقابل ارتش سرخ بی فایده می‌دیدند و با نمیخواستند تجهیزات جنگی **دنیکن** نصیب مهاجمین شود و با علت دیگری در کار بود و در هر حال پیاوه شدن ارتش سرخ به آنزلی مسئله **دنیکن** و مقاومتش پایان داد و وقتی علت بمباران غازیان از فرماندهی جهازات جنگی استعلام شد نا عبوده بهمین نکته تکبیه نمود و گفت بمباران غازیان و هیچ نقله

دیگر کشور ایران منظور نظر ما نبوده و نیست و ما قطعاً حائمی را بمباران کردیم که محل تمرکز نیروی خداوندی دلیکن است منظورمان کوییدن این ژنرال دشمن ملت روس و تصرف کشتی‌هایی است که بدولت شوروی تعلق دارد بالجمله دنیکن را انگلیسها بمنظور مصوبینش از تعرض نیروی سرخ ببه بغداد فرستادند و ازسرنوشت بعدیش آگاهی نداریم همین قدر معلوم است که کشتیهای تحت اختیارش اعم از جنگی و نیرو بر بشرف نیروی سرخ درآمد و نترانش را اسیر و ییاد کویه فرستادند و تعداد کمی از افسران دنیکن در خدمت انگلیسها باقی ماندند که به اتفاق خود آنها برشت و منجیل عقب‌نشستند .

مأمورین رسمی دولت ایران در گیلان و از آنجمله **اعتراض دولت میرزا احمدخان اشتری** فرماندار وقت پیاده شدن **ایران** ارتش شوروی را بخاک ایران حسب الوظیفه بمقامات مربوطه گزارش دادند و در عین حال ازسرنوشت خودشان بیخاک شدند چه قونسولگری های انگلیس و فرانسه و عثمانی باطناشرا جمع و مأموریت سیاسیاشرا در گیلان نرک نموده بودند. دولت ایران از یکطرف به پیاده شدن ارتش سرخ بخاک ایران اعتراض نمود و از طرف دیگر به اعزام هیئاتی بمسکو بمنظور ایجاد روابط حسنه اقدام کرد ضمناً شکایتش را بجامعه ملل تسلیم و تشکیل مجمع عمومی را برای رسیدگی به این تجاوز خواستار شد . چیچچرین کمیسر خارجه اتحاد جماهیر شوروی که ز سال ۱۹۱۸ میلادی تا ۱۹۲۹ این سمت داشت نامعبراراً به بدولت ایران فرستاد .

۲۰ مه ۱۹۲۰

در رسید یادداشتی را که توسط فرمانده کشتی جنگی « روزالو کرامبورگ » مختایر شده بود اطلاع داده .

- جواباً افنخار دارم مراتب زبرد را اظهار نمایم دولت سویت روسیه،
- تصمیم دولت ایران را در اعزام هیئات سیاسی بمسکو برای ایجاد
- روابط دائمی سمیباله تبریک میگوید حکومت سویت حاضر است بموریت،
- روابط پسنی و تلگرافی را با ایران که قطع شدنش تقصیر اوبیت،
- برقرار سازد دولت سویت بمأمورین خود دستور العمل داد که
- برای هیئاتی که عازم مسکو است تمام عوامل و مزایای نمایندگی،
- سیاسی را تدارک به بینند ضمناً از موقع استفاده کرده میخواهم

و یکبار دیگر اصول سیاست خود ما را نسبت به ملت ایران هماطور که  
 • کمیسر سابق در بیابانیه ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ خود بود بر مختار ایران  
 • در بطور و کردار اظهار نموده و آقای وزیر امور خارجه اشارت بان  
 • یادداشت نمودند. اظهار بدارم.

• این بیانیه اصول کلی سیاست ما را تعیین می نمود ولی وزیر  
 • و امور خارجه البته از یادداشت ۲۶ یولی ۱۹۱۹ که خطاب بدولت  
 • و دولت ایران شده است اطلاع دارد که در آن بنابر قلم در ۱۶ ماده  
 • تمام مسائلی که برای انجام آن دولت کارگران و دعاوی  
 • و آحاد است اظهار شده و این اظهار بحیران بی عدالتی هائی بود که  
 • از طرف دولت سابق تزاری و حکومت کرمانی نسبت به ملت ایران  
 • و ایرانیان معمول گردیده است.

• اگر این یادداشت غیر عکس باشد مختار ملت و دولت ایران  
 • در سبب دولت یاد آور می-شوم زیرا قصد ما آن است که روابط  
 • خود را با ملت آسیای مرکزی روی اصول تازه بنا نهیم و البته  
 • آقای وزیر امور خارجه می نمایند که ما خودی که دولت سویت روسیه  
 • از طرف دولت ایران وسیله یادداشت وزیر مختار ایران در بطور  
 • کردار بتاريخ ۱۴ دسامبر ۱۹۱۷ رسماً شناخته شده بود همها  
 • در ۴ ژانویه ۱۹۱۸ دولت ایران مقضی ندید نماینده ایرانی  
 • و ما را در طهران رسمت بشناسد علاوه در پانز سال ۱۹۱۸ دولت  
 • ایران از عملیات بیرویه روسهای سفید و انگلیس ها نسبت به بیانات  
 • نمایندگان سیاسی شوروی در طهران جلوگیری نمود در وقتی  
 • که تمام انضاء سفارت ما یادداشت گردیده باسارت انگلیسها  
 • در آمد و مدارائی سفارت عارت شد و هنگامیکه انگلیسها قبول  
 • دهای ما را در شمال ایران توفیق میکردند و بالاخره در تابستان  
 • ۱۹۱۹ که سابقه جدید تعیین سویت روسیه آقای کالمیش  
 • دستگیر و در خاک ایران توسط عناصر سد انقلابی روس و شرکت  
 • انگلیسها در این ساحرا تیر باران گردید دولت ایران در آن موقع  
 • حتی لازم ندانست نسبت باین جنایت سریع که در ناره نماینده  
 • رسمی دولت شوروی که در کشور آن دولت بعمل آمده است

« اعتراض نمایند دولت کارگران و دفاعین روسیه از مشکلات ملت »  
 « ایران خوب مطلع است و حاضر است گذشته‌ها را فراموش کند. »  
 « حالا که دولت ایران ابراز تمایل کرده که با کشور سویت  
 روسیه داخل در روابط سیاسی شود و روابط دوستانه‌ای با حکومت  
 دفاعین و کارگران برقرار سارده شوروی مایل است تضمین حاصل  
 نماید که ساینده جدید روسیه در طهران و سایرندگان قوسولگره‌ها  
 و در ولایات تحت حمایت و حفاظت خواهند بود و کارگر آن روسیه  
 و در ایران از تجاوزات و تعدیات قشون احسن مصون میمانند »  
 « حکومت سویت شوروی مایل است با ملت ایران دارای سببیت  
 و معجزواری دوستانه باشد و بنا براین نسیم دولت را مدحجول در  
 طریق تازه تهنیت کفتم امیدوار است و مایل مقتضی فراموش کردنا  
 و بالتسویه مواع برقراری روابط عادی بین دولتهن مرتفع شود. »

دولت ایران بفرماندار کیلان دستوردهای تازه‌مان اخذتسویه و روشن شدن  
 افق سیاست. عملیات و باری بهر جهت نماید. میرزا احمدجان اشتری میر بنشکیل  
 جلسات بحث و مشاوره. پرداخت و چون « جزئی شده بود که جنگلی‌ها پذیر بارود  
 برشت خواهند آمد و زمام امور را بدست خواهند گرفت بنا براین بمنصور  
 حلو گیری از حوادث ممکن الوقوع و از جهت اینکه از مخالفین بحساب می‌آیند  
 میباشدند میرزا را نامندن رشت دعوت و برای فسخ کردنا کارها تشویق نمایند  
 وزیر امور خارجه ایران طی یادداشتی دولت شوروی را مطلع رابفته تهدید کرد و  
 پاسخی بیادداشت خود باحصاء جبجیرین دریافت نمود بدین شرح :

« عقب نشینی بقیه دستجات گارد سفید و بحریه ژنرال صد انقلابی »  
 « بسکن » به بند امرلی صبات بازرگانی بحر خرد را در دریا »  
 « تهدید نموده موجب محاطرات دائم برای ارتس سرخ و اولیاء »  
 « دولت سویت در تمام نواحی ساحلی بحر خرد شمرده شده روابط  
 روسیه شوروی با ایران می‌بایست قطع شود و تجارت روسیه در  
 ایران سرد غیر قابل حیران وارد آید. »  
 « آقای وزیر خارجه ایران محق هستند که در یادداشت اخیر  
 خود از این قطع روابط که ندرسیه و نه ایران دراین باب مقصرتند  
 اشاره نمایند برای این که باین وضع غیر قابل تحمل خاتمه داده »

• شود فرمانده نیروی دریائی بدون دستور حکومت شوروی يك ،  
 • اقدام احتیاط آمیز بعمل آورد که غرض از آن حفظ منافع روسیه ،  
 • و ایران و پایان دادن به عملیات آخرین بقایای نظامی و بحری ،  
 • و دیکن بوده است نظر با اقدامات مریور در ۱۸ ماه مه قشون ،  
 • اشغالی بریطانیا اترلی را تخلیه و ارس شوروی در این بندر پیاده ،  
 • شدند و از طرف اهالی و اولیاء دولت ایران مورد تکریم و تهنیت ،  
 • قرار گرفتند پس از آن دسته قشون مریور اقدامات دیگری نمودند ،  
 • و از امکان اشغال بعضی نقاط در این محل از طرف قواء ژنرال ،  
 • و دیگران جلوگیری شود تصادفاً دولت شوروی وقتی اطلاع حاصل ،  
 • و نمود که حوادث مریور خاتمه یافته . از طرف حکومت سویت ،  
 • و احتراماً اظهار دیدارم که بدسته قشون شوروی اعراضه است همینکه ،  
 • احتیاج نظامی مرتفع گردد و بعد آزادی وسایات کشتی رانی در بحر خزر ،  
 • تأمین شد طبق موافقت نامه قبلی که در یادداشت ۲۰ مه ۱۹۲۰ ذکر ،  
 • شده است خاک ایران را تخلیه نمایند .

• آقای وزیر امور خارجه اجازه دهید در پایان اظهار اطمینان ،  
 • نمایم که ختم شرافتمندانه حادثه اتران باعث بهبود روابط حسنه ،  
 • دولت ایران و روسیه خواهد بود که عینتی بر استقلال کامل و شخصیت ،  
 • هر دو ملت می باشد .

دیپلرکل حامه ملل و سراریک دروینده شکوائیه دولت ایران را  
 برای فرد فرد اعضاء جامعه فرستاد و از رئیس جامعه قیتولی درخواست انعقاد  
 جلسه مجمع عمومی نمود. همزمان با این اقدام کمیسر خارجه اتحاد جماهیر شوروی  
 بحامه ملل اطلاع داد که دولت شوروی حاضر است بقوریت ارتش سرخ را از  
 ایران بیرون ببرد بشرط آنکه دولت ایران شکایتش را از جامعه استرداد نماید.  
 توسیح این مطلب ضرور است که تا این تاریخ هنوز تمام دول عضو جامعه حکومت  
 شوروی را برسمیت نشناخته بودند .

**فیروز میرزا** و نمرت الدوله، وزیر امور خارجه ایران بوسیله گراسین  
 نماینده شوروی که جهت مذاکرات سیاسی و اقتصادی به لندن رفته بود پاسخ داد  
 که حوادث ایران با اطمیناناتی که کمیسر خارجه شوروی میدهند مبیانت دارد  
 در صورتیکه دولت شوروی حقیقتاً اقدام جدی در تخلیه ایران و عدم کمک

بمنجاسرین نکتند پذیرفتن درخواست شوروی برای دولت متبوع وی غیر مفدور است .

جیجیرین با اشاره بحوادث ایران توسیح داد که خواهان آن نیست که در امور ایران مداخله کند .

بالجمله حاصمه ملل در ۲۶ خرداد ۱۲۹۹ جلسه عمومی را تشکیل داد و وزیر امور خارجه ایران شکایت دولت متبوعی را مشروحاً بیان داشت . اعضاء جامعه با استحضار از شرایطی که دولت ایران بشوروی نمود چنین نظر دادند که چون شرایط پیشنهادی ایران موجب استقرار صلح و امنیت و حفظ تمامیت خاک ایران است و دولت شوروی به تخلیه خاک ایران امر اکسید صادر نموده مجمع چنین صلاح میدانند که قبل از اتخاذ هر نوع تصمیم در اطراف مواد ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ اساسنامه جامع ممل ( که بموجب آن جامعه موظف است متجاوز را سر جای خود بنشاند ) باید منتظر انجام مواعید اولیاء دولت شوروی بود و از دولت ایران تقاضی می شود مجمع را از جریان بقدی کارها منعجز دارد .

مرکز اداری جنگل در این هنگام در محلی موسوم به گسکره کنار قریه و مالکوانه بود لیکن جلسات سران تنها در این محل انعقاد نمی یافت بلکه اغلب در زیده عمارت جدید الاحداث مبین الرعایا ویا در قریه اشکلن محل سکونت خواهر میرزا تشکیل می یافت . افراد مؤثر جمعیت که در مذاکرات شرکت داشتند عبارت بودند از محمدی انشائی - محمد علی پیر یازاری - حاجی شیخ محمد حسن آمن - سلطان عبدالحمین ثقفی - حسن الیائی و یکی دونفر دیگر . نکتته قابل ذکر اینکه حاجی محمد حمفر کنگاوری واحسان و خالوقربان با اینکه از سران قوم بشمار می آمدند در جلسات مشاوره و اخذ تصمیم شرکت داده نمی شدند علت این محرومیت را میبایست قاعدتاً میرزا توضیح دهد ولی او چیزی نمیگفت احسان که در گسکره اقامت داشت واز بیکاریش می تالبد گله میکرد از اینکه چرا از خودش استفاده نمی شود و بجه دلیل باید از جلسات بحث و مشاوره بر کنار بماند حاجی محمد حمفر کنگاوری چون تازه وارد بود و هنوز افکار و نیاتش بدستی روشن نشده بود حضورش را در جلسات مشورتی قطعاً مصلحت نمی دیدند . خالوقربان نه داعیه ای داشت و نه چیزی از مذاکرات می فهمید . آنکه نظرش در بررسی مسائل از همه پخته تر و بحقیقت نزدیکتر می آمد محمدی انشائی بود نامبرده که از پیش کسوتان مشروطیت و





فرزندان سکوردرامی

ردیف ۱ - آتشه ازرامت بیگ و - سیدهاشم سیدپوری ۲ - آقاخان ورامی ۳ - اصلاخان  
ردیف ۴ - میرزا شعیان خان جنگلی - ابراهیم فخرانی

سوابق معتمد آزادی خواهی داشته‌ری بود واقع بین و محرب و اهل قلم و سیاستمدار و در عین حال بیگمترین و خوش معاویره . امثال و حکایات شیرینی بیاد داشت که با استعمال آنها به بیانانش روح می‌داد و مخالفتش را بدین وسیله محتاج میکرد. فرزندان عمکر در املی (آقاخان و اسلامخان) که از حملات بی رحمانه برهان السلطنه طارمی بهنگل پناه آورده بودند این زمان در گستره اقامت داشتند سران جنگل بعضی استحضار از پیاده شدن نیروی سرج به اتزلی تشکیل خطبه داده بشور و مذاکره پرداختند .

نتیجه مذاکرات آنست که اسماعیل جنگلی حواجر را در غیره به اتزلی برود و باقر باصفهان ارتش سرج تعاضد مذاکرات ثمر بخش بگرد و اروسع قبلی و بیات بدیشان استفسار و تشجیرا جنگل که ارتش بعد نمائنده سر نور از راه سپاه در میان

درباره

**حصول موافقت و همکاری** (سوال بر زبان آید که از این جهت در راه راه سرج با سران ارتش امیر را بهنگل فرستاد ولیکن افسوسه و قانع بود . انصافا عمل و سرج عمل نامتلازم میرد پس از موافقت ارتش در برابر دولت امیر را

رفت و بسر عبدالغنی سرجی کهین سپه دار ارتش بود : سر مردم شد . از ورود سپه دار به ایران ساد سدید و آردین مستند و قاضی را با سرف آلال سید گفتند اشتغال بدین کم خدای سرت و اولان دست از جمله آورده سپه را حتما و حیوان عالی بوده و او را سرت دست قهرمان ملی میدانند دیگر آمده از امکان نماهای جنگل بین ساجیمین و نیروی جنگل مکران بودند که چگونه در شرایط سخت و نامساعد جنگه خواهند توانست جان و مال و فرزند و دار ایشانرا حفظ کنند از روس ارکانها چیزی خریدند و بخت نمی آمد و دانسته نمی شد که آن همه وسایل دفاع را به ای چه دوری نگذاشته اند عدم قدرت دولت در این نقطه سرجی . اینها فسیه بافرود و راه نمیدانستند که تکلیفات با نیروی ساجیم که امثال معاویره سرف آنها بود نمود . حیثیت این تصورات با اشکال مختلف در ادعای سرت و ملوه می نمود و حقیقت وجود میر را در ایران مانند سیم ایندختی در دهی مکرانی را



دو سرانشیر و از بندر بهاباد

در از کبیدهها از راست چپ خانوهراد برنگ - خانولسر

نشستهها از راست چپ ماولک - کازانف - سررا - اموتس - بالاف

ایستادهها از راست چپ کر نالی حسن - سیفاندرآورد - سعیدالدینوش - اسماعیل جنگلی -

مرتفع کرد. مردم دسته دسته بملاقاتش شتافتند و با تقدیم دسته‌های گل از یکدیگر سبقت می‌گرفتند فرماندهان ارتش سرخ نیز از حمله واردین بودند که در همان منزل بوی خیر مقدم گفتند و به یاد کار این روز تاریخی عکس برداشتند.  
در کشتی کورسک که میرزا از فرماندهان ارتش سرخ بازدید بعمل آورد مذاکراتی در محیط صمیمانه انجام گرفت. حاضرین در این جلسه عبارت بودند از:

راس کولنیکف فرمانده جهازات جنگی بحر خزر - سرگوارز  
نیکیدزه کمیسر عالی قفقاز و اعضاء کمیته عدالت باکو - میرزا کوچک -  
حسن الیانی (عمین الرعای) - ساوک آلمانی (عوشسک) - سعدالله  
درویش - میر صالح مظفرزاده و اسماعیل جنگلی.

صحبت‌های اولیه پس از ابراز مسرت از دیدار یکدیگر در اطراف پیشرفت انقلاب روسیه و مساعد بودن زمان برای برقرارتن پرچم انقلاب سرخ در ایران دور میزد که همه حاضرین در این آن اتفاق نظر داشتند تنها موضوع قابل بحث خط مشی و تاکتیکی بود که بیاباست برای پیشرفت همه جانبه انقلاب دنبال شود.

میرزا که دارای افکار مذهبی بود و به همین جهت کمونیسم را با افکارش سازگار نمی‌دید امر ار داشت که تا مدتی بایستی از تبلیغات مسلکی صرف نظر نمود. مفهوم بیاناتش تقریباً این بود که هر کس آید آتش خود را با قاضی که خود دارد میل نماید و می‌خواست بگوید که تمایلات ناسیونالیستی و عامل مذهب، بزرگترین عایق و مانع اشاعه کمونیسم در ایران است. او می‌گفت چون ایرانیان همه مسلمانند و بدین و تعابیر اسلامی علاقه دارند قطع این پیوند دینی باعث می‌شود که به انقلاب بنظر نامساعد ننگرند و چه بسا که همین امر و مخالفت‌هایی که بدنبالش بعمل آید موجب شکست انقلاب شود.

این استدلال البته مورد قبول دیگران نبود چه آنها عقیده مند بودند که تبعیت از عقاید مردم که بحد کفایت فقیر و نادانند مستلزم بقاء وضع موجود و قبول تسلط انگلیس‌ها است و تمایلات علی‌را بعنوان مردود شناختن اصول جدید کافی نمی‌دانستند و بدین طریق روز اول ملاقات، مذاکرات دو طرفه بدون حصول هیچگونه توافقی سپری گشت.

در روز دوم که از نیکیدزه با کشتی جنگی از یادگوبه رسید و در مذاکرات

فیمابین شرکت کرد. با استماع دلایل میرزا در باب عوامل پیشرفت انقلاب و با توجه باثناهای قدیم، که در دوران انقلاب مشروطیت با کوجک‌خان داشت و صداقت و صمیمیتی که از وی در پیشرفت کارهای اجتماعی دیده بود و وسنان سریش را مخاطب قرار داده چنین گفت:

«رفقا آنچه این مرد درست فوّل و با ایمان می گوید عن‌بی چون و چرا تصدیق میکنم و موافقت خودم را با تمام اظهارات و تاکتیکش اعلام میدارم زیرا او در تحرک و جنبش کشورش مجرب است و پیشرفت انقلاب را مد نظر دارد و از شما میخواهم که بیانات و نقده آینه‌اش را تأیید کنید»

و با اظهارات مزبور مباحثه قطع و محقق شد که به تبعیت از نشر سردار در اعضائی که در مجلس اندیشه وی جاری و گریزی نیست و لذا در باره موضوعات زیر مدار مذاکرات پیاده توافق شد:

- ۱- عدم احراز اصول کمونیسم از جهت صادره اموال و امانت‌داریت و انواع بودن تبلیغات.
- ۲- تأسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت.
- ۳- پس از ورود به‌عضران و تأسیس مجلس مبعوثان، هر نوع حکومتی را که نمایندگان ملت بپذیرند.
- ۴- سپردن مقدرات انقلاب بدست این حکومت و عدم مداخله شورویها در ایران.

- ۵- هیچ قشون بدون اجازه و تصویب حکومت انقلابی ایران داخل مرزها و حدود (۲۰ هزار نفر) از شوروی نایران وارد نشود.
- ۶- خارج این قشون به‌عده جمهوری ایران است.
- ۷- هر مقدار به‌مات واسطه که از شوروی خواسته شود در مقابل پرداخت قیمت تسلیم نمایند.

۸- کالای بازرگانان اهرانی که در بادکوبه ضبط شده تحویل این حکومت شود.

- ۹- واگذاری کلبه، مؤسسات تجارتی و وسیله در ایران حکومت جمهوری



از وقت در داد این موافقت‌نامه و مخصوصاً ماده اول آن بخوبی بد

است آنچه که از عوامل شکست انقلاب محسوب میشد قبلا پیش بینی و باال سراج کنار گذاشته شده است. به علاوه تمبیین مقدرات و انتخاب نوع حکومت را به تأسیس مجلس مؤسسان و رأی آینده ملت منوط ساختند معاهداتود معنوی و ناساط واقعی انقلاب بر اوضاع جاریه تا زمانی بود که بمقررات موافقت نامه عمل میگردد و همینکه باز دایره مقررات بیرون نهاده شد و مورد سرپیچی قرار گرفت وضع کارها نیز دگرگون گشت و آنچه در این مدن ساخته شده بود ویران و وازگون گردید. میردا بعداز تنظیم شدن موافقت نامه به شکل برگشت و منظور اجراء مواد آن به تهیه مدارکات پرداخت.

میرزا احمدخان اشتری معروف به امور فرماندار  
**ورود جنگلیها**  
 کیلان که مردی شاعر و یکنه تخلص داشت با اعدای  
 از وجوه اهالی که قبلا با آنها مذاکره نموده به قریه  
 برشت

پستخان شش کیلومتری رشت رفت و با ملاقات میرزا  
 از طرف خود و بنمایندگی از طرف عموم اهالی دعوتش نمود بشهر آمده تمام  
 امور را در دست بگیرد میرزا که خود برای این کار آماده میشد دعوت حکمران  
 کیلان را باسرت استقبال و برآه عربت برشت مهیا گردید.

بامداد روز جمعه ۱۶ رمضان ۱۳۳۸ جمعیت انبوهی از مستقلین از  
 محلی موسوم به آتشگاه پنج کیلومتری رشت که مدفن امامزاده هارون  
 میباشد نا شهر در دو طرف حاده صف کشیده مقدم جنگلیها را با فریادهای  
 شورانگیز و افشاندن دستههای گل تهنیت گفتند. مجاهدین بعداز رسیدن بشهر  
 در باغ سپرمیدان اجتماع و از طرف میرزا کوچکخان و احساناله خان در  
 ساختمان چوبی وسط باغ کیوسک که با اندازه یکسور از سطح زمین ارتفاع داشت  
 نطقهای بر حراتی ایراد گردید میرزا در نطق کوتاهش از غلبه بردان باهر بمن  
 و از تسلط حق به ماطل سخن گفت و احسان قداکاری مجاهدین جنگ را ماطرر  
 تحسین آمیزی نمود و به روح شهداء آزادی درود فرستاد و عهد داد که قریباً  
 انقلاب ایران کاخ شمشگران را ویران خواهد ساخت و زحمت کشتان ایرانی از  
 یوغ رقیبت از بابان جور و ستم نجات خواهند یافت.

جمعیت بعداز اتمام مطلقها پراکنده شدند و خاطراتی از این روز تاریخی

در اذهان بجای ماند.

میرزا بعد از پایان برنامه بخانه «امجدالسلطنه» که قبلا برای او آماده شده بود رفت و با «راسکولنیکف» و «ارژونیکیدزه» که انتظاری را میکشیدند ملاقات و مذاکره نمود و آنها بعد از این دیدار به ازلی برگشتند و سران دیگر جنگل بمنظور سکونت به خانه‌های سپهدار و جلیل‌المالک و حاجی سیدرضی و آصف‌التجار و معین‌المالک تقسیم شدند .



دو روز بعد از ورود جنگلی‌ها برشت اعلامیه زیر در قرق‌کارگذاری رشت (مجله ثبت اسناد حالیه) در میان اجتماع انبوه مردم قرائت گردید .

### اعلامیه

### هو الحق

## فرباد ملت مظلوم ایران از حلقوم فدائیان جنگل گیلان

میچ قومی از اقوام بشر باسایش و سعادت نایل نمیکردد و بسیر در شامراء ترقی و تعالی موفق نمیشود مگر آنکه بحقوق خویش واقف گشته ادراک کند که خداوند متعال همه آنها را آزاد آفریده و بنده یکدیگر نیستند و طوق بندگی را نباید بگردن نهادند همچنین حقی ندارند بابناء نوع خود حاکم مطلق و فعال مایشاء باشند انبیاء و اولیاء و بزرگان دین و فلاسفه و حکما و سوسپا - لیستهای سابق و امروزی دنیا که هم حواریان نوع بشرند هر یک بنوبه خود افراد انسان را از مزایای این حق مشروع طبیعی آگاه ساخته اند . مع الوصف یکدسته مخلوق که بصورت انسان و بسیرت از هر درنده‌ای بیرحم تر و قسی - القلب تر اند بنامهای مختلف جهت شهوت دانی و آزار انسانها بیرحمانه بابناء جنس خود مسلط شده بجان و مال و عرض و ناموس و تمام هستی و ماحصل زندگی و فواید حیاتی آنها دخالت کرده، راحت خویش را در زحمت مردم، مقام خود

۱ - امجدالسلطنه داماد سردار معتمد رشتی و فرزند مدبر الملک میباید جدش محمودخان سرتیپ ملقب به (مدبر السفراء) و از همین جهت به محمودی معروفیت دارند . مدبر الملک فیلا حاکم قومانات و بعداً حاکم ماسوله و سپس اناشاه نظامی ایران در مسکو شد و در عهد مظفرالدین شاه زنگنه فونسلگری ایران را در تفلیس بعهده داشت و روزنامه شمس چاپ اسلامبول در شماره ۴۴ مورخ جمادی الثانی ۱۳۲۷ هـ ق مکتوبی را بادولقب مدبر الملک سردارهای یون منتشر ساخته است .

را در فناء مردم، لذت و کامرانی و تمتعشان را در درنج و ناتوانی مردم دانسته و بالاتر  
 از همه خلقتشان را فوق خلقت سایرین تصور میکنند. نه بکتب آسمانی و قمی -  
 نه بقواین و نسایح انساها و قری - نه بدماندگان و بیچارگان ترحمی. صفحات  
 تاریخ ضایع اعمالشان را بما نشان میدهد و شواهد حسی کافی است که چه کرده  
 و میکنند بیچاره مردم. همان مردمی که از اصول خلقت و حقایق و دایع طبیعت  
 بی خبرند و بسان گوسفند خود را تسلیم این شتمکاران جبار نموده ذبیر تیغ این  
 چلادان خونخوار دست و پا میزنند و در عالم ذهن حشی بنسورشان تمی آید که  
 روزی ممکن است سلاسل عبودیت این عزیزان بی جهت را گسیخته از پر یار  
 اسارت و بندگی این خدا بان سنوعی میتوان شانه خالی نمود گاهی از میان این  
 طبقه مظلوم و رنج کش یک نفر یا افراد معدود معینی بمنظور آگاهی سایر مظلومین  
 و تحصیل حقوق مشروع انسانیت و برای قلع ریشه فساد و اعساف طبقات شتمگر  
 یا تحمل همه نوع مشقت و همه گونه فداکاری قیام می کنند که شاید اصول مساوات  
 و عدالت را اجراء - ظلم و تعدی را محو و مظلومین را از قید رقیبت نجات دهند.  
 ایران که یکی از قطعات آسیا و اهالی ایران که یک قوم از اقوام دنیا هستند  
 سالها است در دست استبداد مقامات جور و امراء خود سر و خواجه این جاه طلب  
 و رؤساء شهوت دان و از بابان بیرحم و مروت بسورت مخروبه ای در آمده که هر  
 ناظر متفکر از دیدن آنها همه منظرهای اسفناک دچار بیت و حیرت می شود.  
 دره رون اخبار سیاست جهان نگیرانه همسایگان همسایه آزادمادولت انگلیس و حکومت  
 حابر تزاری روس صمیمه مظلوم و تجاوزات فرمانروایان جاه طلب ایران شده برای  
 اسارت این قوم مظلوم در سجنه این خرابه های غم انگیز عرض اندام نموده سهل ترین  
 وسیله اسارت این کشور و مردم آنرا همدستی و تقویت سلاطین جور و امراء و  
 یزرگان جبار دانسته تسلط آنرا بسا برین تأیید و تقویت میکنند. این قصابان  
 مسلخ ایران با استفاده از مقاصد همسایگان طماع آنچه را که در حیطه قدرت و  
 توانائی داشتند در باره زیر دستان اعمال نموده در راهی از مظلوم خود داری نگرده.  
 حال ایران و ایرانی بدین منوال بود تا سال ۱۳۲۴ قمری که عده ای از متفکرین  
 و عناصر حساس مطلع و دل سوز که از حقوق ملت و خصوصیات خلقت خود و دیگران  
 آگاه بوده بنای مطالبه حقوق ملی را گذاشتند و آزادی را که حق مشروع همه بود  
 خواستار شدند. بتدریج انقلاب مشروطیت شروع گردید. محمد علی شاه پادشاه مسند  
 مطلق العنان خلع و مجلس ملی تشکیل و احمد شاه بسططنت دولت مشروطه ایران رسید.



مناسفانه بعزت عدم تفکر و تعمق پیشقدمان آزادی، همان امراء و خوانین ستمگر مجدداً زمام امور را بطایف الحیل بدست گرفته انقلاب را بِنفع خود سوق دادند . نتیجه آنکه نهضت مقدس و فداکاری ملت بجای منفعت مضرت بخشید . در سابق بنام سلطنت مستبد و این بار بنام سلطنت مشروطه همان سلطه و اقتدار و همان جور و ستم را اعاده دادند . مردم که با احساس هوای آزاد تاحدی از خواب گران غفلت و جهالت بیدار شده بودند برای قطع ایادی حایران عمر تحمین و مستبدین در لباس مشروطیت بنای مقاومت گذاشتند آنها باز با تکا عقواء همسایگان بمعارضه برخاسته فجایع خونین سال ۱۳۳۰ را در نقاط شمالی ایران پیش آوردند و دوباره ایرانیان را با حمایت امرای عراقی و کمکهای باطنی انگلستان ظلم و تعدی و شکنجه گرفتار ساختند . چیزی نگذشت که میرود گذر این تپاول سپری و جنگ بین المللی آغاز گشت و هنگام استفاده مظلومین این سرزمین فرا رسید . قسمت بزرگی از احرار و عناصر فداکار ایران در مناطق مرکزی و غرب و جنوب کشور و عده ای از فدائیان گیلان در جنگل دارالمرز بسد خائنین و همسایگان منجاوز قیام کردند شاه ایران که تمام آمال ملی را زیر پا گذاشته بود بیوس حمایت از مردم وسی در نجات آنها از گرداب مذلت با امر او رجال مرتجع کشور و قواء انگلیس و روس منتفق گشته ملیوترا منکوب و بیست جنگل روی آوردند . خوشبختانه به همت غیورانه جوانمردان روس حکومت ظالمانه بیگلا و همدستانش بر چیده شد و جمهوری سونی برقرار گردید و رویح آزادی از شمال وزیدن گرفت لیکن پنجه قاهرانه انگلستان هنوز گلوی این ملت را می فشارد . دولت انگلستان با قواء خود و قواء دولت مرتجع ایران بساط مشروطیت را بر چیده و مظالم قرون سابقه را تحت الشماع قرارداد . دولت انگلستان مجلس ملی ما را منحل ، حکومتهای نظامی را در ایالات و ولایات مستقر نموده قرارداد مشنوم را با دولت ایران در غیاب مجلس منعقد ساخت در صورتی که هیچ قراردادی بدون تصویب مجلس شورای ملی دارای رسمیت و اعتبار نیست . بعضی از جرایم معلوم الحال را مردور خود نموده و آنها را برای مصلحه و ایجاد اشتباه در انظار خارجیان و ادار نمود ملت ایران را از این قرارداد راضی جلوه دهند و با قدرت حکومت نظامی و تهدید دزدان مسلح انگلیس و عده ای از ناخلفان ایرانی شروع با انتخابات نموده همان نفع پرستان قدیم و همان ستمگران مردم آزاد را به وکالت منتخب نموده ناحین افتتاح مجلس بدون تأمل قرارداد را تصویب و قباله مالکیت ایران را تسلیم انگلستان نمایند .

شاه غافل را بهمانی برده در تلگرافخانه‌ها و پست‌خانه‌ها سانسور گذاشته در غالب نقاط ایران اردوهای منظم انگلیسی گذاشته طرفداران حریت و انتقاد کنندگان قرارداد سوم یعنی فرزندان دلسوز این آب و خاک را اعدام یا حبس و تبعید نموده تمام موجدات اسارت را مجدداً تهیه نمودند. احرار جنگل که پنج سال و نیم است با مواجبه بمشغله‌های طاقت فرسا در مقابل قوای اعطال انگلیس و ایران همچنین در مقابل بر تحمیل ستمگر و ارباب القاب و سانسور و غیره قیام کرده باشند. صائمه‌ها و مت که زوری موفق به نجات طبقات رحمتکش نبوده این بی‌روی‌هایی را که در روایای جنگل گپ‌ها آخرین امید احرار سایر ولایات که مقهور قوای دشمن گردیده شناخته شده‌اند جامع و عابقی بنام روح‌ش دانسته در مقام بحر این قوه بر آمدند که آن‌ها در جمایع و مضایح تاریخی آنها قریب‌الذکر گپ‌ها باقی خواهد ماند از طرفی دولت انگلیس با سلاح برده‌اش (ترویزر) روسیه آزاد را با فرزندان باحلتی (طرفداران تواریخ) جلوری مشغول ساخته که بیج شک از مملکت بین هم‌جواری‌ها نتوانستند کمکی بنمایند ولی خداوند قادر متعال که بندگانش را هیچگاه از ظلمت دور نمیدارد و راستی نمی‌سود که و دایستی را تا ابد اسیر جنگل قهر ستمکاران بنماید دست قهرمانان عدالت خواه روسیه را از آسب این مقام بیرون آورد و بدفع سردشمنان بشریت بفعالیت انداخت باز فرصت دست ستمکشان ایران افتاد. قوه ملی جنگل با اینتلهاار کیلومتر مسافت عموم نوع پروران دنیا و استقامت از اصول حقه موسس‌الیرم داخل در مرحله انقلاب سرخ شد و خود را بنام «جمعیت انقلاب سرخ ایران» معرفی می‌نماید و آماده است که در سایه فداکاری و از خود گذشتگی همه قوایش را که در ایران برای اسارت این قوم و جامعه انسانیت بکار افتاده‌اند درهم بشکند و اصول عدالت و برادری‌ها را تنها در ایران بلکه در جامعه اسلامی توسعه و تعمیم بخشد. مطابق این بیانیه عموم رنجبران و زحمتکشان ایرانی را منوجه مبارزه که جمعیت انقلاب سرخ ایران ظلمت‌ها را تحت مواد زیر که در تبعیت از آن بوجه ملزومی وفادار خواهد بود با اطلاع عموم میرساند:

۱ - جمعیت انقلاب سرخ ایران اصول سلطنت را ملی کرد و جمهوری را رسماً اعلان می‌نماید.

۲ - حکومت موقت جمهوری «قااضت جان و مال عموم اهالی را به عهده می‌گیرد».

۳ - هر نوع معاهده و قراردادی که بشیر ایران قدیماً و جدیداً با هر دولتی شده لغو و باطل می‌شاند.

۴ - حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته تساوی حقوق درباره آنان قائل و حفظ شایسته اسلامی را از قرائین مبداند .

۱۸ رمضان ۱۳۳۸

بعد از قرائت اعلامیه و ابراز احساسات حمید حاضرین

در آرامگاه نسبت به میرزا و جنگلیها جمعیت چند هزار نفری قرق

دکتر حشمت کارگذار که در آستان میرزا قرار داشت هلهله‌کنان

بسوی چله‌خانه که آرامگاه دکتر حشمت در آنجا واقع است متوجه شدند پس نااطقی بر سر مزار دکتر ایراد نمود کم کم کوتاه و هم بزحمت شنیده میشد زیر آملایم و آرام حر ق میزد و نافر شدید و عیجانات باطنی او مانع بلند ساختن صدا و قدرت تکلم بود نطق میرزا بشکوهش از اعمال و ثوقد العوله شروع و بخیانت و حال پیکانه پرست ایرانی ختم شد ضمن ابراز تنفر از قرارداد و اینکه از سرتاسر این پیمان خیانت و خیانت می‌چکد بجهت شدن یکی از بهترین یاران صمیمیش ( دکتر حشمت) اشاره نمود و گفت با فقدان این مرد بزرگ هنوز کمرمان راست نشده است این ضایعه برای ما بسیار گران و تحملش بسیار سخت بود . از خداوند می‌خواهیم ما را موفق بدارد تقاضای خوش را از جلالان خون‌آشام بگیریم.

آنکه احسان رشته سخن را بدست گرفت و یا خواندن این شعر :

دیدم که خون ناحق پروانه شمع را

چندان امان نداد که شبدا سحر کنند

بروح شهداء آزادی در رود فرستاد و ضایع انگلیسها را در ادوار مختلف

و مخصوصاً در دوران اخیر بتفصیل شرح داد و بیان نمود چگونه این دولت غدار

آزاد مردان این سرزمین را به خاک و خون کشیده و اذم تبغ بیدریغ گذرانیده است .

احسان گفت حالاً نوبت انتقام فرار می‌دهد وقت آن است که دوش بدوش ارتش کارگران

و دهاقین شوروی که در ژیم حبار سبده ساله را سرنگون ساخته اند علیه دشمن

مشترک بجنکیم و خائنین مملکت را بدار بیاوریم و طومار خیانت سراسر خدعه

و تزویر و خیانتشان را در دم نوردیم . ما بشماره‌های مردم قریب خط بطلان کشیده ایم .

طهران مرکز فساد و معان دزدان سیاسی و حای تحریکات انگلیسها است اقامتگاه

حائینی است که مملکت را برای بیگانه قباله کرده اند .  
 ما باید این مرکز فساد را بروی دزدان خراب کنیم و استقام خون شهدایمان  
 را از حباران داخلی و خارجی بگیریم . جملات فطی احسان که بایک عالم شور  
 و عجزان ادا میشد نکان دهند بود و دلها را بلرزد درمی آورد و تحسینی از فوران  
 یک کوه آتش فشان بود نامبرده در پایان غطش قائم انقلاب سرخ و لنین ، در ابوجه  
 مؤثری شود و بایند کردن فریاد ، درنده باد ارتش انقلاب ، گفتارش خاتمه داد .  
 بر حسب توافق که قبلا بعمل آمده بود کمیته ای سر کپاز  
**زمامداران** **اعضاء ایرانی** دروسی بنام **روکم** یعنی کمیته انقلاب  
**انقلاب** مخفف کلمات روسی ( رولوسیونی کمیته ) در رشت  
 تشکیل یافت . اعضا این کمیته عبارت بودند از **کارا زائف**  
**فرمانده قواء شوروی** در ایران - **میرزا کوچک** - **ساکران آقاییف** عضو  
 حزب عدالت باکو - **احسان اله خان** - **مالوک** آلمانی بنام ایرانی  
 و خوشنگ - **میر صالح مظفر زاده** - **حسن آلبانی** معین الرعابا -  
**کارگاریتلی** بنام ایرانی ، شاپور ،  
 این کمیته که مرکز عملیاتش عبارت مقرر بدو قدم ، اداره آمار قبلی ،  
 بود زمام انقلاب را بدست گرفت هیئت دولت انقلابی در ۱۹ رمضان ۳۸  
 بر طبق آگهی صادره بشرح زیر معرفی گردید .

میر شمس الدین وقاری	کمیسر داخله
سید جعفر	کمیسر خارجه
محمد علی پیر بازاری	کمیسر مالیه
محمود آقا	کمیسر قضائی
آقا نصر الله	کمیسر پست و تلگراف و تلفن
محمد علی خمایی	کمیسر فوائد عامه
حاجی محمد جعفر	کمیسر معارف و اوقاف
ابوالقاسم فخرائی	کمیسر تجارت

**میرزا کوچک** **سرکمیسر و کمیسر جنگ**  
 کمیسر داخله همان است که بنام **وقار السلطنه** شهرت داشت . کمیسر  
 خارجه سالیان دراز عضو وزارت خارجه ایران و اهل سوومه سر ای بنام

خانوادگی و محبتی، معروف بود. کمیسر مالیه همان کسی است که میرزا کوچک را در جنگ و گاموشی تبه، که گلوله خورده بود از میدان جنگ بدربرد و بنقله امنی رسانید و تأسیسات فعلی بیمارستان پورسپه‌ای رشت بهمت او وجود آمد.



اعضاء شورای انقلاب

- |                                   |               |
|-----------------------------------|---------------|
| ۱ - میرصالح مظفرزاده              | از چپ بر راست |
| ۲ - گلزارف (فرمانده فوج ارتش سرخ) |               |
| ۳ - کارکناری تلی (شاپور)          |               |
| ۴ - مارک الوانی (هوشنگ)           |               |
| ۵ - میرزا                         |               |
| ۶ - حسن‌آلانی (معی‌المرغابا)      |               |
| ۷ - کامران افایف                  |               |

کمیسر قضائی وپست و تلگراف فرزندان حاجی آقا رضا مجتهد رشتینند که بنام خانوادگی، رضا، معروف میباشند محمود آقا بعد از پایان انقلاب مدیر روزنامه طلوع شد و چند دوره بوکالت مجلس شورای ملی انتخاب گردید شغل اخیرش وکالت دادگستری بود که در سال ۱۳۱۹ شمسی

بعددود حیات گفت برادرش سراله رضا مدتهای مدید شهردار بلاعمارش رشت شد و بکمک دوستان جنگلیش و دلسوزی های صمیمانه آنها باصلاحاتی توفیق یافت - کمیسر معارف و اوقاف همان حاجی محمد جعفر

کتناوری است که بعداً با عده‌ای از انقلابیون رشت به روسیه رفت و همانجا در گذشت. کمیسرها باید عامه عشو با فتحعلی ایران است که اخیراً باز نشستند و مرحوم شده و دو کتاب «شیخ زاهد گیلانی» و ترجمه تاریخ گیلان «شودر کوه» ی روسی از آثار قلمی او است .



دکتر ابراهیم التاسیلاهیانی (قرن ۱۳)

يك اداره فرمانداری بنام گارنیزون بتمدی سعدهاله درویش .  
 يك اداره حفظالصحة بتصدی دكتور منصور باور و مساوت دكتور  
 عنایت السلطنه.  
 يك ستاد ارتش بنام آرمیا بعسویت احسان و حسن الیانی و  
 کلنل فتحعلی . توپچی نفق .

- يك داد گاه نظامی بریاست شیخ عبدالله خان .  
 يك اداره بودجه بنصدی سلطان حسن خان زند .  
 يك اداره تعلیمات بنصدی عالی حبیبی .  
 اداره ارتباطات مسئولیت دکتر علی اکبر حشمتی .  
 اداره سیاسی بریاست و سنا خواجوی (معز اللطنه) .  
 اداره مباشرت و ادزاق بنصدی علی طالع و معاونت سید ابوالقاسم  
 کسمائی .  
 تعلیمات پیاده بفرماندهی سلطان عبدالحمین خان تقفی .  
 قورخانه و مهمات بنصدی صادق کوچک پور .



## فصل دهم

[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)  
تبرستان

آغاز عملیات



[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)  
تبرستان

آیا ممکن است روزی برسد که توپها را  
در موزه‌ها بگذارند و مردم آنها را از  
روی تعجب بعنوان وسیله‌ای برای اهدام  
و نابودی بنگرند .

### ویکتور هوسو

اخراج مأمورین دولت  
وضع بد مؤسسات سابق روسیه در گیلان مانند بانک استقراضی و اداره  
راه و آبیاری حمل و نقل مرگوبی و غیره .  
تأسیس کلاس آکابر شبانه جهت تدریس علوم اقتصادی و سیاسی و سوسیالوژی .  
تکمیل کادر اداره دارائی بوسیله دعوت افراد تحصیل کرده خوشنام .  
بحریان گذاشتن یک سری تمبر احمدشاهی در پست باسورشارژ . پست  
حکومت جمهوری شوروی ایران .

برقرار کردن ارتباط با روسیه بمنظور مبادله کالاهای بازرگانی .  
بمناسبت تعطیل بانکهای خارجی قرار شد بانک ملی در رشت تأسیس  
شود و سرمایه بانک از محل اعانات دریافت شده تأمین گردد بشیعه  
جواهراتی که خانم آهوکف از باکو آورده و در اختیار حکومت  
گذاشته بود .  
قبضه نمودن حدود ۱۰۰۰۰ تن دولت و اداره آنها با همان سازمان موجود و در

کادر پرسنلی همان افراد دستورات قانونی که از پیش وجود داشت و در این باب فقط بنویس رؤسا اکتفا شد .

به محسن آتابکی پیشکار دارائی گیلان اجازه دادند پس از تحویل دارائی بطهران بر گردد .

باز داشت محسن سدر ( صدر الاشراف ) و پرور عبسی صدیق ( دکتر صدیق اعلم ) را پس معارف و اوقاف گیلان .

محسن سدر بجای محمد یزدی ریاست استیناف گیلان منصوب و محمد یزدی را نصیر السلطنه معاون وزارت دادگستری بنفاسای میرزا کوچک ( که در دوران طلبه گیش در طهران ارتشاگردان پدرش حاجی شیخ محمد حسین یزدی بود ) بجهت سازمان دادن دادگستری بگیلان فرستاده و او پس از انجام مأموریت و تسدی این مقام بر مرکز برگشته و محسن سدر بحایش کدیل گردیده بود . گفته میشود بازداشت دو تنی از رؤساء ادارات پمک آنحرافتان از نمایلات ملی و گرویدن سیاست انگلیس ها است بعلاوه یکی از آنها مستنطق باغشاء و قاضی دادگاهی بود که آزاد بجو آهان سدر مشروطیت در آنجا محاکمه گردیده اند و با این سوابق بایشی در دادگاه انقلابی محاکمه شوند اما طولی نکشد که هر دو نفر بتوسط شیخ احمد سیگاری آزاد و بطهران برگشتند . (۱)

کماندانی شهر این آگهی را در ۲۱ رمضان ۳۸ منتشر ساخت :

۱ - کلبه مراجعات ارتش سرخ باید باداره کماندانی واقع در خانه شهیدار بعمل آید .

۲ - افراد حامل اسلحه باید خود را بکماندانی معرفی کنند .

۳ - رؤساء ادارات کشوری طرف ۴۸ ساعت صورت اعزاء خود را بکماندانی بفرستند .

۱ - تذکری که در این خصوص در مورد آقای دکتر صدیق اعلم بنگارنده داده شد این است که بازداشت نامبرده از طرف میرزا صحت نداشته است بلکه مربوط به پیامی بوده که از طرف میرزا ماو رسیده و در آن پیام که بوسله آقا - بی آقا احمد ابلاغ گردید تعایل میرزا با قناعت د نر در گیلان و ادامه خدمات فرهنگی بشرط هماهنگی با انقلاب ایرار شده بود و چون ملاحظه گردید که دکتر در مراجعت بر مرکز راضی نراست لذا اجازه داده شد بطهران برگردد .

۴ - عبور از خط انزلی - عراق منوط به تحصیل اجازه رسمی است.

۵ - ارتش سرخ و عموم اهالی باید عادات مملکتی و شفاثر دینی را مراعات نموده مرتکب منتهیات نشوند و در صورت ارتکاب مجازات خواهند شد.

۶ - اهالی باید روش مسالمت آمیز شورای جمهوری را با حسن قبول تلقی و در تشبید ارکان تشکیلات جدید سمیت خود را بمنصه پرورد برسانند.

رعایای انقلاب همه روزه در قرق کارگذاری رشت محلی که اکنون دادگستری استان است و سابقاً به عمارت سنگی مشهور بود طوقهای آتشین میکردند بیانات ناطقین بزبان روسی بود که از طرف **کازان اف و کیگالود** **قرونین** ایراد میشد و گاوک آلمانی (هوشنگ) آنها را بنارسی شکسته بست. ترجمه مینمود در اغلب این تظاهرات مآثر **رکن الدین خان مختاری** رئیس شهر بانی گیلان که بعدها رئیس شهر بانی کل کشور گردید همچنین **کاپیتان بولانس** فرمانده نیروی قزاق نیز حضور داشتند موضوع نطقها عبارت بود از جریاناتی که ملتها را با انقلاب میکشاند و ضرورت شعله ور شدن انقلاب در ایران بعلت وجود عوامل و موجبات و لزوم پیشرفت و توسعه آن یا برنامهای منظم برای وصول به هدف.

در یکی از تظاهرات که احسان نطق میکرد همینکه نوبت به زنده باد مردم باد رسید قزاقهای دولتی بنام شاه هورا کشیدند و این امر به زعماء انقلاب گران آمد و باعث شد که در مذاکرات خود با فرماندهان مربوطه سخت گیری کنند. افسران قزاق، تن جنگ با انگلیسها در میدادند و متعذر بودند که هنوز مرکز اشتغال نشده و آنها وقتی ممکن است به نیروی انقلاب به پیوندند که مرکز اداری مملکت فتح شده باشد و در غیر اینصورت خود را فرمان بر دار اوامر مرکز میدادند اما این امر مورد قبول انقلابیون نبود چه آنها شرکت قزاقان را با انگلیسها تکلیف، به علاوه راه سفر را بسروستان باز و پیشنهاد میکردند که چنانچه بقبول این مطلب رضایت نمیدهند سلاحشان را تحویل داده با دستانشان برگردند افسران نیروی قزاق هیچ يك از دو طریق فوق رضایت ندادند عاقبت بطوریکه خواهیم دید راه حل قضیه به خولریسری پایان یافت.

دستورهای  
محرمانه

تلگرام از کارخان مامون کمیسر خارجه شوروی  
به واسکول نیکف فر مانده جهادات جنگی بحر خزر  
کاملاً سری

تساره ۱۳۱۰

۲۳ مه ۱۹۲۰

تمایل کوچک خان از تأسیس دولت شوروی در ایران و کمینه سرکری  
اشتراکی که مایل است این قوه را در دست بگیرد با کمال احتیاط تحت نظر  
گرفته شود از احساسات ایرانیهای دشت و انزلی و آذربایجان نمیتوان احساسات  
تمام ایرانیان را فهمید .

بایستی رنجبران را با یوزروازی دموکراسی متحد کرد و باسم آزادی  
ایران، ضد انگلیس ها شورانند تا آنها را از خاک ایران بیرون کنند .

طبعاً جنگ را باید بر ضد انگلیس ها و تجار و مامورین دولتی که طرفدار  
انگلیس ها هستند ادامه داد .

لازم است کوچک خان و اشتراکین ایران روئینجات دموکراسی دیگر را  
ضد انگلیس ها متحد کرد .

مخالف نیستیم که تشکیلاتی نظیر تشکیلات سوئسی جلوریکه تمام اداران  
دولتی مثل ادارات ما باشند دایر شود ولی باید اصول را تغییر داد و پسرا  
مبترسم اگر زودتر اصول سوئسی را در آنها تشکیل بدیم در بین طبقات  
اختلاف افتد و جنگ آزادی ایران بدست انگلیس ها سفید شود اطلاع دهید که  
انقلاب گیان چه انعکاس در طهران و نقاط دیگر ایران دارد شما با چه دستجاتی  
کار میکنید .

تلگرام بعد

بتاریخ ۲۶ مه ۱۹۲۰

از طرف کمیسر جنگ شوروی

فرماندهی نیروی دریائی بحر خزر

- ۱ - هیچگونه دخالتی در امور ایران بنام روسیه
- ۲ - اخراج واحدهای مسلح روس از ایران و کشنی های جنگی سرخ .
- ۳ - کمک بهمیرزا کوچک خان بوسیله دادن کارشناس و پول و دادطلب

و غیره .

- ۴ - تحویل اراضی که تحت اشغال واحدهای سرخ میباید میردا کوچک خان .
- ۵ - در موقع لزوم باید کشتی‌های جنگی تحت اختیار میردا کوچک گذاشته شود ولی نه تحت پرچم روس بلکه پرچم آذربایجان شوروی .
- ۶ - بمیردا کوچک باید بنام آذربایجان شوروی کمک کرد .
- ۷ - از دادن تشکیلات شوروی که آرزوی میردا کوچک است بیاید جلوگیری کرد .
- ۸ - با اقدامات خودتان باید مانگیس‌ها بفهمانید که ما میل نداریم در کشورهای خاور دور پند آنها اقدام نمائیم .
- ۹ - قلاهدیماسیم در خصوص پیوستن نظامیان دولت و خلق سلاح پادشاهان قزاق تا آستانه گیلان به نیروی انقلاب ، مذاکراتی رشت بین رعناها هر دو گروه در جریان بود علیه تسلیم شد و رئیس ژاندارمری کلنل فتحعلی توپچی نقفی تکلیف انقلابیون را پذیرفت و نام افرادش را ژاندارمری گذاشت و فقط گنگو با فرماندهان قزاق تا روز ۲۲ خرداد مطابق با ۲۷ بهمن ۱۳۳۸ طول کشید و آخرین مذاکره بعد از شش ساعت خروجهت در خانه امجدالسلطنه بدون اخذ نتیجه پایان رسید .
- سحرگاه روز سه‌شنبه ۲۵ خرداد صدای شلیک پیاپی تفنگ و مسلسل و خمپاره از ناحیه مرکزی شهر ، جنگان از همه‌جا بی‌خبر را بیدار و بعد از ساعتی همه فهمیدند که جنگ بین انقلابیون و نیروی قزاق آغاز شده است معلوم شد در همان شامگاهان که مذاکرات طرفین به‌پایان رسیده انقلابیون تصمیم به خلع سلاح نیروی قزاق گرفتند و اینک در مرحله اجرای تصمیم‌اند .
- تمرکز نیروی دولت در حیاط ننگرافخانه فعلی بود که آنوقت قزاقخانه نامیده میشد و پیش از آن دارالحکومه یا درخانه ، نام داشت این محل در طلبه فجر از چند طرف محاصره و تیراندازی شروع گردید سرهنگ حاجی علی خان ظاهری رئیس سوار نظام که در کنار سیفان رود بار استقرار داشت بمجرد شروع جنگ عده او با جمعیتش را برداشته به لاجان گریخت و در حدود چهار ساعت جنگ بین پیاده نظام دولت و قزاق انقلاب ادامه داشت در

این مدت دوبار قزاق‌ها از درب بزرگ قراقخانه (مقابل میمانخانه فعلی ایران) برای شکستن محاصره هوراکشان حمله کردند و هر دو بار پادان تلفات عقب نشینند در این هنگام که مرکه قنال یحیی کافی گرم بود صدای جغد تیر توپ بگوش رسید و معلوم شد که انقلابیون با آوردن پلکان توپ و نصب در مقابل شهر بانی بداخله قراقخانه شلیک میکنند و طولی نکشید که پرچم سفید امرایان شد و مدافعین تسلیم گردیدند.

مهاجمین، بقراقخانه ریخته نفرات را يك يك خلع سلاح و متراکضه شدگان را که بهفئاد تن میرسید خارج و بیجاک سپردند فرماندهان قزاق همگی دستگیر و پادان دست شدند کمیته انقلاب تصمیم بمحاکمه و مجازات آنان گرفت لیکن با مخالفت غیرنظامی صرف شد و نفرات را هرخص نمود و آنجا با گرفتن چیزی روزانه جنسی در دست آنان و سپس تدریجاً باو مان نشان برگشتند.

دستجات مجاهدین و سر پادان روسی درجاده عراق (دشت - قزوین) حرکت درآمدند يك پالی هوایی حاذقه عواقب را دیده بانی میکرد **پلایف** یکی از سرکردگان روس همراه **سعداله خان درویش** بازندان اعزام شد و بشخص اخیرا اخباراتی بموسوا رسید شورای انقلابی فتوای سرچشمه پادان تقویس گردید که عین حکم اعطائی شماره ده در صفحه ۲۶۳ گردیده است **مناجحات** فرماندهی کلنل **فتحعلی خان نقی** و **حسن الیاسی** به پیشرفت ادامه داد يك توپ کوهستانی و اطالاش های ایل آلیک دستور معنی الرعا یا روی دوش حمل کرده ازبیراه ناپشت حبه انگلیس ها در منجیل بردند **خالو قربان** هر سینی با عدهای از مجاهدین کرد مأمور مشهد سر (پابل سر امروز) گردید **محررم بابایف** همراه **مشدی علیشاه** مأمور جلوگیری از سرغام السلطنه شد **سارو کین و شوستیک** دونفر از افسران روس همراه **علی دلمی** مأمور پیشروی سمت **لوشان** از راه دیلمان و عمارلو شدند از تمام جنبهها خبر فتح و فیروزی میرسید و واقعات جنگ در روزنامه های ایران سرخ و انقلاب سرخ مدیریت سید ابوالقاسم ذره که بعدها کامونیست بیر بیان میرید شد انتشار می یافت باین فیرست با بدروزنامه **فریاد جوانان** و روزنامه **بیداری** مدیریت **حسین جودت** را اضافه نمود روزنامه های که پیش از تصرف دشت منتشر میکردیدند عبارت بود از **صبح سعادت** و **عصر سعادت** - **گیلان** مدیریت **محمد آصفی** - **بلدیه** مدیریت **نادر میرزا آراسته** - **شهر داره** - **بدرمنیر** مدیریت **سید جلال الدین بدری**



شورای جمهوری ایران  
شورای انقلابی ایران

۱۳۳۸

تاریخ ۱۵ شهریور

شماره ۴۷

(حکام)

چون آقای سید اله درویش از اعضای صالح و فعال حکومتی بود در  
ایران و جمعیت تقدیب رنج است لذا بموجب این حکم شایسته در  
شورای تقدیب، جمهوری ایران سمت صدارت شورای تقدیب قانون  
رنج را بر عهده می‌گیرد و در صورت لزوم وزیر در طرف برزاق  
صدور خواهد شد. جمهوری ایران سمت نمایندگی داشته و این  
کار را بشرف تقدیب رنج ایران در صفحات فائز دران و برادر  
بر نوع فعالیت شروع را اعلام نماید. لذا شایسته است که در کلیه  
تقریرات و قیامات که در خصوص تقدیرات فوق بود که  
صدر شورای تقدیب جمهوری ایران است.  
مدیر امورات





در دشت والیدرالمنیر بمدیریت سید ابوالفضل در اسرلی آخرین خیر روزنامه‌ها ساکی از این بود که انگلیس‌ها در منجیل شکست خورده عقب‌نشینی کرده‌اند و بل منجیل را بتلافی این شکست متفخر ساخته‌اند .  
 ایسن اعلامیه در تاریخ ۲۷ رمضان ۱۳۳۸ از طرف کمیته انقلاب انتشار یافت .

حکومت جمهوری شوروی ایران قبل از دخول در مرحله انقلاب سرخ تصمیم گرفت که با عموم ایرانیان مخصوصاً افراد لطاس سیاست کمال مسالمت و مخلوقیت رفتار و بمعیت یکدیگر ارکان جمهوریت را متحدکنم نمایند . عملیات بعد از اعلان جمهوریت سرهائی است قاطع که امداداً تعابلی بدون ریسری نبوده پس جمله باردوی قزاق ساخلو دشت تکلیف شد که اسلحه را تسلیم و باطاعت از حکومت حاضر درآیند بحای آنکسان این مسیبت و رافت استفاده کنند بنای مسامحه و نافرمانی را گذاشتند و تکلیف حقه جمعیت را نپذیرفتند از آنجا که حکومت جمهوری مناسب قدرت و مقامش میدید که با اردوی قزاق داخل مصادمه شود لذا باب نصایح و موعظرا گذرود شاید با احساس عدم توانائی خود در قبال اقدامات جمهوریت از خیال باطل منصرف شوند عناستفانه این نصایح سودمند نیفتاد و بحیال خودسری باقی ماندند لذا در ساعت پنج‌و‌دو ۲۷ سپتام بامر کمیته انقلاب نیروی قزاق که عده آن عشتند نقر بود محصور و مصادمه شروع گردید و پس از چند ساعت جنگ اردوی قزاق یا تمام لوازم جنگیتان تسلیم و کلیه افسران و نفرات در محل امنی محفوظ و وسایل اطمینان و آسایش آنها از هر حیث فراهم شده ، اکنون با ایران تأسف از این پیش آمدقهری بعموم اهالی مندکرم میشود که جمهوری شوروی ایران برای بسط پیشرفت و توسعه اقتدارش ادره گش و هر مقام مخالفت باعدم اطاعت احساس نماید وی را قهراً منکوب و برای عبرت سایرین شدیداً مجازات خواهد نمود .

اعلامیعمم بود میخواست بگوید که در پیشامد جنگ تفصیری ب حکومت توجه ندارد و اگر خون‌هائی ریخته شده است گناه و مسئولیتش بنوحه

رشت دهم شوال ۱۳۴۸ مطابق ۲۷ ابون ۱۹۲۰

ایران - سرخ

روزنامه دیوار کوب «روستا»

اداره تلگرافات روس

زنده باد ایران سرخ

---

# КРАСНЫЙ ИРАН

---

СТЕННАЯ ГАЗЕТА „РОСТА“

---

Решт 27 Июля 1920 г.



زندہ باک سیرزا کوچک



فرماندهان مفروری است که افراد تحت فرمانشان را بدون ضرورت نظامی بکام مرگ کشیدم‌اند ولی البته مردم رشت و اهالی گیلان جز آنکه تماشاچی این صحنه و نظائرش باشند کار دیگری از دستشان بر نیامد و قضاوت‌سه و علیّه نیز برای آنان امکان نداشت چه بفرائن دریافته بودند که در خود دستگاه انقلاب، حرایات نامساعدی وجود دارد که ممکن است با انفجار منتهی شود. گروه حزی هر روز مردم را بمنینگه و سخنرانی دعوت میکردند و وعده فتح هندوستان میدادند. ضمن سخنرانی‌ها انتقاداتی نیز بعمل می‌آمد و بهیروزا خرده گیری میشد که مثلاً جواهرات بانک راجه کرده است و جواهرات مربوط اکنون کجا است. (نویسح آنکه حزب کمونیست قفقاز مقداری جواهر از قبیل انگشتر و الماس و گردن بند و گوشواره و غیر آن بحکومت انقلابی ایران هدیه کرده بود که بهیروزا آنها مقداری برنج و قوتون بیاگو حمل شد. این جواهر را خانم ابوکف بحکومت انقلابی تحویل داد که با تفویم عده‌ای از کارشناسان شهر در خانه امجدالسلطنه ارنش آنها ببن هفت و هشت هزار تومان نمسین گردید و قرار شد پشوانه بشر اسکناس بانکی باشد که حکومت خیال داشت ناسپس نماید) گفتگوی اینکه جواهرات مربوط کجا است در حقیقت بهانه‌ای بیش نبود و فقط سوه نفاهات و جنگ سرد فیمابین را دامن میرد.

میرزا بر آن شده که دو تن نماینده (محمدی انشائی و مظفر زاده) را بیاگو بفرستد تا با نریمان نریمانف صدر شورای جمهوری قفقاز ملاقات و او را در جریان عملیات حزب عدالت رشت بگذارند و ادامه روش عدالتیون را برای پیشرفت انقلاب و مضره و خطرناکه اعلام نمایند متاسفانه دم گرم نمایندگان مبرزاحتی پیام شخص نریمانف بآهن سرد اعضاه حزب اثری نکرد و با تکرار گفتارهای زنده، بروخامت اوساع افزود و این اختلاف همچنان غلیظتر شد تا آنکه بکودتا منتهی گشت و پرده‌ها بالا رفت و اسرار نهفته فاش گردید.

شاعر ترك زبان رشت که (واله) تخلص مینمود در این باره چنین

سروده است :



محمدعلی میرزا میرزا باقری کاشغری

کجست که فعال ما بر بد نموده است  
 شهر شما مردمان هرگز در را  
 حضرت میرزای کوچک آنکه ز همت  
 بهر وطن راست کرده قدسا را  
 بیرق سرخش چو موج خون متحرک  
 زینت میدان عشق کرده لوا را  
 سربکف و پا بشاهراه حقیقت  
 در ره ملت ز سر نداند پا را  
 جهل ابوجهل نیست عار محمد  
 شنت ابلیس تنگ شیر خدا را  
 واله از این بس مگو که وقت ندارد  
 بر ظفر و فتح ختم ساز دعا را

همزمان با پیاده شدن ارتش شوروی بخاک ایران چند

تن از اعضاء حزب عدالت باکو بهر ندر بحاجه گیان

وارد شدند و سازمان جریبان را در رشت دائر

نمودند که روزنامه (گابونست) به مدیریت سید جعفر حواد زاده به پیشه‌وری

گودتای سرخ

مبلغ وارگان حزب بود، و نیز سازمان دیگری بوجود آمد بنام «سازمان جوانان» که با روزنامه‌های حزبی رشت همکاری داشتند.

افراد شناخته شده حزب عبارت بودند از ابوکف (از شاهزادگان تاتار)

و خانمش **بولله** - اسداله **غفارزاده** - **زاخاریان** - **علی زاده** - **آقا یوسف**

**امیرزاده** - **موسوی** و چند تن دیگر که بیشتر فعالیتشان بدادن متینگ و تبلیغات

حزبی مصروف بود و این وضع مسلماً به پیشوای نهضت جنگل گران می‌آمد و

احساس میکرد که اقدامات مزبور تمهیداً و علیرغم نظریاتش که از پیش اعلام داشته

بود صورت میگیرد و همچنین ملاحظه میکرد که بر خلاف مدلول موافقت نامه

دائر بسنج ورود نیروهای جدید عرثاً دستجات تازه از یادگوبه‌وارد میشوند

مقررات موافقت نامه با عملاً نقض میکنند. بعلاوه پرت بهلوی هنوز با وجود مطالبه

مکرر بمشدهان ایرانی انقلاب تحویل نشده و نفت و «نوبل» را هنوز از اختیارشان

رها نساخته‌اند و با این کیفیت بی‌نیستی که نیت دیگری در کار باشد و دامنه این

اعمال بجایهای باریک بکشد.

این بود که روز جمعه ۲۲ شوال مطابق با ۱۸ تیر ۱۳۹۵ منصرفانه رشت

را ترک و به قومن عزیمت نمود و اعلام کرد مادام که بی‌ترقیی‌های جاری رفع

نشوند و افراد حزب عدالت از پرخاش و ستیزه جویی و تبلیغات مرامی دست

برندارند از قومن بر نخواهد گشت.

**ملاقات سردار فاخر حکمت** با میرزا در خانه امجد السلطنه نیز این

حدس را تقویت مینمود که نامبرده حامل پیامی از جانب **شیرالدوله** (نخست-

وزیر) مینوی به‌جدا شدن میرزا از انقلابیون است و در حال متعاقب رهسپار

شدن میرزا بقومن **کازان اف** (فرمانده ارتش سرخ) نهبیه مسکو احضار گردید

نامبرده یک فردا انقلابی مجرب و از اقدامات حزب عدالت احساس ناراحتی

مینمود و اعتقاد داشت که همکاری با دستجات مسلح جنگل جز از طریق صمیمیت

و حسن تفاهم اشتباه محض است لیکن عملیات پشت پرده حزب، آرام آرام آثارش

را می‌بخشد و طولی نکشد که با آمدن **هدیوانی** نماینده بازرگانی خوشنودیا

و **میکویان** کمیسر تجارت شوروی برشت گودنائی در ۱۴ ذیحجه ۳۸ مطابق نیم

مرداد ۹۹ رخ داد و از جریان کار چنین فهمیده شد که احضار کازان اف مسکو و

فراخوانده شدن **پالایف** از مازندران در نتیجه اشتباه کاری های اعضاء حزب

عدالت صورت گرفته است کما اینکه تمویض **راسکولنیکف** فرمانده جهازات



استادان پورسرای رشت آنکه به استیفاء اداره بهداشتی پیرنارتری است دست راست پروفیسور کاطلی و دست  
راست پروفیسور دکتر موسی خان قلی حکیم المصالح

جنگی بحر خروار امش بجهه بالنیک، همچنین فراخوانده شدن ارزوونیکیدزه که دونفر احمر از پشتیبانان سباست جنگلی ها در ایران بوده‌اند بر اثر نقش سیاسی حزب عدالت است که در پیشگاه زمامداران شوروی بازی کرده‌اند. ارزوونیکیدزه از دوستان نزدیک لنین و استالین و از پیروان ای انقلاب اکتربر ۱۹۱۷ بود که به‌عنوان وزارت صنایع سنگین شوروی رسیده و در دوران تسلط استالین بلخانایف که نمیخواست در مسئولیت‌های باسلاح و استفاده از قدرت استالین شریک باشد اقدام به خودکشی نمود.



میرزا اسدالله خان قاری اوفا از لفظه کعبه داخله

کودتای سرخ از اینجا شروع شد که در روز جمعی (۲۴ ذیحجه ۱۳۸) همه‌ی طرفداران میرزا کوچک را حرکت و هر جا بودند دستگیر و بازداشت نمودند. نقشه کودتا طوری طرح ریزی شده بود که میبایست میرزا کوچک یا کشته میشد و یا دستگیر میگردد و در هر حال از کادر انقلاب خارج میشد و مامور را بدیگران میداد ولی او توطئه را قبلاً احساس و بجنبش رفته بود.

حاج شیخ محمد حسن (آمن) و عبدالحسین خان شفائی و کلنل فتحعلی توپچی تقفی و حسن الیانی از جمله بازداشت شدگان بودند شیخ عبداله خان رئیس محکمه انقلابی بدست یک نفر روس مقتول گردید ابار اسلحه که در باغ مدبری به دست حفاظت میشد بنسرف عمال کودتا در آمد شش توپ بزرگ را که دوتای آن سنگین و در سپیخان نگهداری میشد بشکل عنائم جنگی برشت آوردند چندتن از کارمندان ارداق را اسروار در شهر گردانیده و سپس به زندان انداختند و برای دستگیری میرزا با توپخانه بجنکلی یورش بردند میرزا دستور داد جنگلی‌ها بدون مقاومت و زد و خورد عقب بکشند ضمناً برای استحضار زمامداران مسکو لازم دید نمایندگان کمی نزدلنین بفرستد و نامبرده را از آنچه در کیلان گذشته است آگاه سارد و این واقعات مقارن با زمانی است که حاجی میرزا



علی اکبر مجتهد اردبیلی با اعلام فتوای جهاد علیه بالشویک‌ها اسلحه بدست گرفته و شاهسون‌های مغان و اطراف اردبیل را جنگ علیه انقلابیون شورانیده بود. کودتای رشت را بولومکین اداره می‌کرد و بولومکین نماینده جنای شوروی در گیلان بود (۱).

متعاقب وقوع کودتا هیئت دولت انقلابی بترح زیر معرفی گردید :  
**احسان اله خان** سرکمیسر و کمیسر خارجه - **خالو قربان** کمیسر جنگ - **سید جعفر** (محسنی) کمیسر پست و تلگراف - **جو اوزاده** (پیشه‌وری) کمیسر کشور - **آقا زاده** کمیسر دادگسری - **بهرام آقاییف** کمیسر فواید عامه - **حاجی محمد جعفر** کنگاوری کمیسر فرهنگ -  
 برنامه دولت جدید :

۱ - تشکیل ارتش ایران مانند تشکیلات ارتش سرخ روسیه و حمله جلهران .



سید جعفر مو'یصر ای (محسنی) کمیسر خارجه در دوران انقلاب و پیشوایان انقلابی در آن دوران

۱ - چکامحرف لغات روسی چرو و بچا نیا که بسیار پات است .

- ۲ - لغو اختیارات مالکین وامحاء اصول ملوک الطوائفی .
- ۳ - رفع احتیاجات اصلی کارگران شهر و دهات .
- دعای انقلاب : ابو کف فرمانده قوام - ترونین رئیس اداره سیاسی - بولومکین رئیس سکا - گوسف رئیس اسوی آدل (نائبین نظامی) - آبیخ معاون دژبان نظامی  
نتایجی که کودتا بیار آورد :
- ۱ - شکست نیروی اعزامی بمافندران با دادن تلفات و از آن جمله قدرت اله خان فرزند صدر المعالمک .
- ۲ - خالی شدن جیبه منجیل بر اثر دستگیر شدن کلنل ثقفی دالیانی و سراریر شدن نیروی فراق سکویدشت .
- ۳ - عقب نشینی قواء دیلمی از اطراف قزوین که تافریده «الولک» رسیده بودند .
- ۴ - استیلا کامل کلنل حبیب اله خان شیمائی فرمانده نیروی دولتی بتمام خطه مازندران .
- ۵ - حریق بازار دشت در شب جمعه ۳۰ دیقمعه (۱۵ آذر ۱۹۹۹) که اموال بسیاری از یاررگانان سوخت و بیعما رفت و درعصا هزار تومان زبندان وارد ساخت .
- ۶ - کشته شدن غلامعلی باباماسوله ای (یکی از سردستان جنگل) با یکسختن از اتباعش در جنگ با امیر مقتدر طالش .
- ۷ - عقب نشینی میرزا به دهساره و دووالکوه « در مقابل مهاجمه عمال کودتا .
- ۸ - صادره املاک و توقف الدوله و سپهدار و امین الدوله و تصنیف عوایدین دارین و کمیته انقلاب .
- ۹ - حمله دستجات مسلح سرخ از راه اترلی به آب کنار و سواحل مرداب .
- ۱۰ - ضبط اموال ساکنین دشت و سبله حاکم نظامی و نهادیدن بپرداخت پول با کندن قبر و اعلام اینکه عدم پرداخت مستلزم زنده نگهداشتن است .
- ۱۱ - بجزریان انداختن یکسری نمیر پستی «کاهوه» که سری حسز نور

هر چند در کاتالوگ‌های ایرانی و خارجی دیده نمی‌شوند معیناً از لحاظ ارتباط با واقعات زمان خود معتبرند.



محمود رضا کامرانعلی

در تمام سپتامبر ۱۹۲۰ اجلاسهای در یادکویه بنام **کنگره شرق** **کنگره ملل شرق** ترتیب داده شد که هدفش مطالعه در باره مسائل و تحولات سیاسی ملل خاور زمین بود و جلسات این کنگره در تئاتر «ماتیلوف» انعقاد می‌یافت.

از طرف انقلابیون گیلان **حیدر جعفر جواد زاده** و **مسیح یقینان** ارسی که بمقام مدیر روزنامه «ایران کبیر» و «ایران کنونی» شد و **امیرزا احمد خان حیدری** است نمایندگی یادکویه رفتند همچنین افراد دیگری نمایندگان از سایر ولایات ایران از قبیل **زاخارف** و **کاظم امیرزاده** و **چلنگربان موسوی** همراه بولومکین رئیس جکا رهسپار یادکویه شدند. کنگره در ۱۷ ذیحجه ۳۸ مطابق ۹ شهریور ۹۹ افتتاح یافت.

یکهزار و هشتصد و بود نفر نماینده در این کنگره حضور داشتند که در این **آمان رادک** و **رینو ویو (۱)** و **حیدر عمواعلی** و **خلیل پاشا** و **انور پاشا** نیز دیده می‌شدند.

**فریضان نریمان** اف سردر شورای جمهوری قفقاز نخستین جلسه را افتتاح نمود چنین گفت:

۱ - از دوستان آتین که بعدها مشمول تصفیه دوران حکومت استالین